

امیرالیسم جهانی، در تدارک حمله نظامی، و اشغال ایران؟!

کازم- رنجبر .

دکتر در جامعه شناسی سیاسی . پاریس ۹-فوریه ۲۰۰۵

<http://asre-nou.net/1383/bahman/21/kazem.randjbar@wanadoo.fr>

در مقابل جناح جنگ طلب دولت آمریکا و صیهونیسم بین المللی ، علیه ملت، استقلال ، و تمامیت ارضی ایران ، وظیفه آزادیخواهان و روشنفکران ، کشور چیست؟ .

تاریخ قدرتهای امپراطوری، تاریخ، تجاوزات این قدرتها ، علیه ملتهای ضعیف، جهت غارت ثروتهای ، قتل نابودی مردمان بی دفاع این کشورها، تبدیل آنان به برده و اشغال سرزمین های دیگران است. اغلب، نیز، این سیاست سلطه گری را، زیر پوشش «بردن تمدن و آزادی» به اهالی بومی « ، مشروعیت، و جنبه قانونی میدهند. اما در واقعیت امر بزرگترین عمل نا امنی، جنگ و غارت در جهان، همین قدرتهای امپراطوری هستند. از آگوستین مقدس نقل است، که اسکندر کبیر یک دزد دریایی را دستگیر کرد، و خوست او را به اشد مجازات برساند. اسکندر دزد را متهم کرد، که امنیت دریا ها را بهم زده است. مردم از دست او آرامش و آسایش ندارند. دزد دریایی در جواب اسکندر چنین گفت: امپراطور بزرگ، آن کاری که من می کنم، شما هم می کنید، فقط من با شما این فرق را دارم ، که من با یک کشتی امنیت بسیار محدود دریا ها را بهم میزنم، اما شما با صدها کشتی امنیت تمام در باها را بهم می زنید، و ثروتهای بیکرانی را به غارت میبرید. امروز بخش بسیار مهم این جهان ، توسط قدرتهای استعماری علناً یا بوسیله دست نشاندگان آنها شغال شده است، و این قدرتها ثروتهای این ملتها را بغارت میبرند، و مرمان این کشور را به برده و نوکر خود تبدیل کرده اند.

-امروز کشور ما علناً بوسیله این قدرتهای متجاوز گر جهانی مورد تهدید قرار گرفته است، و یک عده « ایرانی» هم به هوای رسیدن ب قدرت زیر پوشش قدرتهای اشغالگر، شب و روز بر طبل جنگ طلبی میزنند. در مقابل چنین سیاستهای ایران بر باد ده وظیفه ما ایرانیان ، خصوصاً آزادیخواهان، روشنفکران، دانشگاهیان، روزنامه نگاران، هنرمندان داخل و خارج کشور چیست؟

نسل ما، این مبارزان، روشنفکران ، استادان دانشگاهها ، روزنامه نگاران، هنرمندان خصوصاً دانشجویان، پراکنده ، آمیخته به زندگی خود تبعیدی، در آمریکا و سراسر دنیا ، خاطرات نهضت مبارزات روشنفکران، هنرمندان، روزنامه نگاران، دانشگاهیان سراسر دنیا علیه جنگ ویرانگر ویتنام در سالهای ۱۹۶۰_۱۹۷۰ فراموش نکرده است. این نهضت به دنبال مبارزات سیاهان آمریکا برای برابری حقوق شهروندی با سایر هموطنان خود تحت رهبری زنده یاد مارتین لوترکینگ به راه افتاد. زنده یاد مارتین لوترکینگ در اوج جنگهای ویتنام، و مبارزات سیاه پوستان آمریکایی، در یک سخنرانی بسیار معروف خود، که بقیمت جانش تمام شد، به دولتمردان آمریکا چنین گفت: « شما هزاران جوان سیاه پوست آمریکایی ر ، به عنوان و شعار دفاع از آزادی و دموکراسی ، به ۱۷ هزار کیلومتر دور تر از وطنشان، به باطلاقیهای ویتنام فرستاده اید، و هر روز، ده ها و ده ها نفر از آنان، برای این ایده ال مردم فریبانه شما کشته میشوند، در حالیکه همین جوانان در وطن خود از چنین دموکراسی، و آزادی، و برابری برخوردار نیستند!». شرایط اجتماعی آمریکا، امروز با شرایط آنروز ها، در رابطه با نابرابری و بیعدالتی چندان عوض نشده است. دو رقم فقط بعنوان نمونه یاد آور میشویم. ۱۱% درصد جمعیت آمریکا، ۴۰% درصد ثروتهای این کشور، در اختیار دارند. در مقابل، ۴۰ میلیون آمریکایی، شهروند ثروتمند ترین کشور جهان، از پوشش بیمه های درمانی، محروم هستند! دولت مردان جنگ افروز چنین کشوری، میخواهند، با توپ و تانک و هواپیما های جنگی ، به سایر کشورها منجمله ایران آزادی و دموکراسی ارمغان ببرند! جهان امروز بار دیگر شاهد جنگهای خونین ، خصوصاً در خاورمیانه همیشه در حال بحران، است. شعله های جنگ ، امروز به مرزهای ایران نیز رسده است. در چنین لحظات حساس و خطرناک ، لازم است یک انعکاس مسالمت آمیز از طرف روشنفکران ، دانش پژوهان ، استادان دانشگاهها، هنرمندان کشور ، در مقابل سیاست جنگ طلبانه جناح افراطی و

محفظه کار دولت جورج دبلیو بوش جنج جنگ طلب اسرائیل سازمان داده شود ، تا ملت‌های دنیا بفهمند ، نه تنها ملت ایران خصوصاً قشر روشنفکران ایرانی مخالف جنگ هستند، در عین حال هر نوع دخات نظامی را از طرف قدرتهای خارجی در امور کشور های دنیا را محکوم میکنند سازمان دهی چنین عملیات آگاه گرانه و تبلیغاتی چه انعکاسی میتواند داشته باشد؟

۱ - از منظر کلّ جامعه ایران:

ورود روشنفکران ، صاحبان قلم ، دانشگاهیان، هنرمندان ، در این مبارزه فکری ، و رودرویی آنها با محافل جنگ طلب امریکا، و اسرائیل چهره دیگری به روشنفکران ایرانی ، چه در داخل ، و چه در خارج ، در افکار عمومی جهان خواهد داد . مردم مشاهده میکنند، که ایرانیان خارج کشور، نه تنها ساحل نشینان در دامن امن نیستند، بلکه ، با تمام وجود سرنوشتشان با سر نوشت ملت کاملاً عین شده، و پیوند خورده است. نباید ملت ایران، این نکته را فراموش بکند، که در طول تاریخ، در تمام کشور های دنیا ، بزرگترین صدمات از قدرتهای کور استبداد ، استعمار را همیشه، در مبارزات آزادی و عدالتخواهی را روشنفکران ، و صاحبان قلم متحمل شده اند. با به صحنه آمدن این نیرو های آزادیخواه و ضد استبداد ، ضد استعمار یک نیروی محرکه ، و یک دینامیزم طیف دار حرکت سیاسی، در جامعه ظاهر میشود، که در بطن خود نه تنها قدرت ضد استعمار را دارد، بلکه حرکت ضد استبداد را نیز رهبری میکند. این نیرو در تحلیل جامعه شناختی ، همان نیروی ضد قدرت یا به زبان فرانسه (le contre pouvoir) است. نمونه تاریخی آن تشکیل سندیکای مستقل کارگری لهستان بنام solidarnoche ، که یک سندیکای کارگری بود ، که در نهایت به یک سازمان سیاسی تبدیل شد، و نه تنها قشر های روشنفکران، و دانشگاهیان لهستان را در بطن خود جای داد، و آنها را به نیروی محرکه این سندیکا تبدیل کرد، بعلاوه پیوند گسسته شده ناشی از حکمیت استبداد کمونیستی را که مانع انسجام روشنفکران با توده ملت شده بود، دوباره پیوند داد. از پیوند دو نیروی عینی و ذهنی جامعه چنان قدرتی حاصل شد، که اتحاد جماهیر شوروی نتوانست بمانند بهار پراگ، در سال ۱۹۶۸ بهار لهستان را به خاک و خون بکشد، و در فرایند تکاملی خود ، این بار سندیکای solidarnoche بود، که تومار نظام کمونیستی را حد اقل در لهستان درنوردید.

۲ - از منظر افکار محافل بین المللی:

وارد شدن روشنفکران ، دانشگاهیان ، هنرمندان ، روزنامه نگاران ، در صحنه سیاسی سازمان داده شده، با عنوان نهضت مبارزات ضد جنگ، نه تنها در افکار عمومی داخل کشور، بلکه در محفل خارجی هم چهره دلالتان ساسی را که با قدرتهای جنگ طلب امریکا و اسرائیل در حال لاس زدن، جهت رسیدن به قدرتهای از دست رفته هستند افشا میکند. نباید فراموش بکنیم که نیرو های سیاسی و شبه نظامی بظاهر ایرانی که در طول این سالها علناً با قدرتهای خارجی علیه استقلال و تمامیت ارضی ایران مبارزه مسلحانه کرده اند، این نوع سازمانها و احزاب هم افشاً میشوند.

بخش ساختاری و سازماندهی نهضت و حرکت ضد جنگ

بخشهای ذکر شده در بالا، بخش فکری، پیش طرحی برنامه است ، برای اجرا و عمل برنامه احتیاج به یک ساختار سازمانی است که بتوان این فکر و اندیشه را اجرا و به عمل در آورد، و به آن طیف سیاسی مستقل همراه با مطالعه واقیتهای در حین مبارزه را داد. اگر این بخش تشکیل و سازمان داده نشود، فرستادن اعلامیه ها و اعتراضهای فردی و منزوی ، هیچ کاری را از پیش نخواهد برد. لذا لازم است، که این حرکت اعتراضی دارای سازمان و برنامه باشد. مسلماً هر موقع که صحبت از برنامه میشود، در خاطر مردم ایران آن سوابق احزاب و محافل سیاسی ناکام، سالهای بعد از جنگ دوم جهانی تداعی میشود. ما باید از این مرحله بگذریم. جامعه ایران امروز، جامعه سالهای ۱۳۲۰-۱۳۳۰ نیست، و جهان امروز هم با آن جهان آن سالها گذشته بسیار فرق کرده است. بعلاوه ، تکنولوژی اینترنتی، این امکانات را به ما میدهد، که بتوانیم از طریق اینترنت، در چهار، پنج نقطه دنیا صدای ملت ایران، و مبارزات نهضت ضد جنگ را به گوش مردم دنیا برسانیم.

این حرکت و نهضت ضد جنگ و مبارزه برای استقرار صلح در خاورمیانه ، علیه جناح جنگ طلب دولت امریکا به سرکرده گی رئیس جمهوری امریکا، و لابی های طرفدار اسرائیل، باید یک عنوان، با بار سیاسی و اندولوژیک داشته باشد. در این انتخاب این عنوان باید کمال دقت بکار برده شود . ما در اینجا بعنوان نمونه یک نمونه از آن را ، اینجا پیشنهاد میکنیم.

« کمیته همبستگی ملی، روشنفکران، دانشگایان، روزنامه نگاران، هنرمندان ایرانی ضد جنگ، و خواستاران دموکراسی - صلح و دوستی ملتها»

-این عنوان در درجه اول، همبستگی ملی را به عنوان پیام، بدون کوچکترین تبعیض نژادی، قومی عقیدتی، فرهنگی به درون جامعه روشنفکران، دانشگاهیان، روزنامه نگاران، و هنرمندان ایرانی، میبرد مسلم است که روی این بخش و چگونگی آن باید بحث کرد. در درجه دوم این پیام ضد جنگ را، ما باید بتوانیم تا حد اکثر اماکانات، از طریق رسانه های گروهی، انجمنها و سازمانهای سیاسی و احزاب، خطرات انسانی و معنوی و مالی دخالت نظامی آمریکا و اسرائیل را به دنیا اعلام بکنیم. در درجه سوم ما باید نشان بدهیم، که قشر فرهیخته جامعه ایران، هیچگونه پیوست سازمانی و همبستگی و همکاری با دستگاه استبدادی نظام «جمهوری اسلامی» ندارد. درست برعکس، در جنگ افروزی، روحانیون حکومتی در ایران، با مخالفت جنگ طلب جناح افراطی محافظه کاران حکومتی دولت آمریکا، و صیہونیستهای اسرائیل و پشتیبانان آنها در آمریکا همفکری و هم خوانی دارند.

چه بسا در ابتدا بنظر اجرا و عملی کردن انتشار و ویردن آن در میان افکار عمومی ایرانیان، خصوصاً جهانیان برای جلب پشتیبانی از آن، و ممانعت از فاجعه جنگ و دخالت نظامی آمریکا مشکل بنظر برسد. اما همیشه، اگر ما دقیق به مسائل توجه و برخورد بکنیم، یک راه و روشهای موفقیت آموز وجود دارد این جا نه صحبت از خوشبینی های ناشی از ساده نگری است، و نه ناشی از بد بینی و نا امیدي دلسردکنندگی و یأس آوری است. دینامیزم این حرکت را شخصیت های مهم روشنفکری، صاحبان اهل قلم، اندیشمندان و دانشگاهیان ای که خرقة شان به ریا و سالوس، آغشته نشده است، میتوانند به حرکت در آورند. این نکته را نیز نباید فراموش بکنیم، از هر کس به اندازه توان و صداقت اش باید انتظار داشت، و کمک گرفت. مسلماً مسائلی در این حرکت مهم ملی و میهنی پیش خواهند آمد، که آنها را در هنگام ظهور، با در نظر گرفتن شرایط زمانی و مکانی میتوان بررسی و جستجوی جواب مناسب، بر رسی کرد.

شرکت تمام شخصیتهای ملی و سیاسی در این نهضت، و مبارزات جدی علیه جنگ افروزان و متجاوزان بیگانه به خانه و کاشانه ملت ایران، خود بهترین وسیله خواهد بود، که در تحلیل نهائی نشان خواهد داد در واقع چه کسانی و چه گروهائی سیاسی به استقلال و تمامیت ارضی کشور اعتقاد دارند، و علناً و صادقانه برای حفظ آن مبارزه میکنند. نباید این نکته را فراموش بکنیم، یکی از برنامه های استعمار گران نوین، تجزیه کشور ایران است. در این مبارزه سرنوشت ساز، سیاست انحصار گران، و تمامیت خواهان حکومتی نیز افشاً خواهد شد و ملت بچشم خواهد دید، تا چه اندازه، این تشنگان ثروت و قدرت، حاضر خواهند شد، برای حفظ استقلال، تمامیت ارضی، شرافت ملی و میهنی دست از عناد، برداشته، و صادقانه برای آزادی، استقلال و تمامیت ارضی کشور به ملت روی خواهند آورد؟

فراموش نکنیم که بعضی از شخصیت ها و گروه های سیاسی، چه بسا برای رسیدن به مقام و قدرت، در تلاش هستند و روز شماری میکنند، که آمریکا همانطوریکه عراق را اشغال کرد، و یک عده از عناصر دست نشاندۀ خود را بر سر قدرت ظاهری نشانند، آنها نیز، با اشغال ایران توسط آمریکا به قدرت، و شاهی خواهند رسید. تعجب آور نیست، که تا کنون سلطنت طلبها، و در رأس آنها شاهزاده رضا پهلوی، و آقای مسعود رجوی، و بعضی از احزاب سیاسی، متعلق به گروه های قومی، به تحریکها و تهدیدهای نظامی آمریکا، و اسرائیل علناً و قاطعانه اعتراض نکرده اند، و حتی یکی از این حزبها برای تجدید انتخاب آقای جورج دبلیو بوش، به ریاست جمهوری آمریکا، تیریک هم فرستادند!

-بخش دوم-

پیش طرح نامه سرگشاده ای که از طریق کمیته همبستگی ملی آزادیخواهان، روشنفکران، دانشگاهیان رونامه نگاران ایرانی ضد جنگ به رئیس جمهور آمریکا آقای جورج دبلیو بوش، سناتور ها، نمایندگان کنگره و ملت آمریکا ارسال خواهد شد.

آقای رئیس جمهور آمریکا ، جورج دبلیو بوش ، خانمهاو آقایان سناتورو نمایندگان کنگره، و ملت آمریکا

اگر ما آزادیخواهان ، روشنفکران دانشگاهیان، روزنامه نگاران ایرانی این نامه سرگشاده را مستقیماً به شما ارسال می‌داریم، و از طریق آن عقاید و نظریات خود را بطور روشن و آشکار بیان می‌کنیم، در درجه اول بخاطر مسئولیت انسانی و وجدانی ما نسبت به آینده بشریت است این امر ما را بر آن می‌دارد، که بهر نحوی از بروز جنگ و تصادمات نظامی بین ملتها جلوگیری بکنیم.

در درجه دوم می‌خواهیم افکار عمومی ملت بزرگ آمریکا را ، آگاه سازیم، که هرگز در طول تاریخ، جنگهاو تصادمات نظامی در شکل هجوم و اشغال یک کشور، توسط نیرو های بیگانه، هیچ مسئله را تا کنون حل نکرده است. جنگ ویتنام ، در گذشته نه چندان دور، با آن همه قربانی های انسانی و مادی، که از خود بجای گذاشت، هنوز زخمهای اجتماعی ، روحی این جنگ ویرانگر، در بین دو جامعه امریکاو ویتنام را میتوان به آسانی مشاهده کرد. این زخمها ، خود بهترین نمونه شکست سیاست زور ، و قدرت در حل مسائل سیاسی است.

خانم ها و آقایان، ملت بزرگ آمریکا، امپراطوری عظیم روم باستان، به تناسب دست آورد های فنی، و تجربی، در عملیات رزمی، و فرماندهی موفقیت آمیز این جنگها، وگستردهگی و وسعت سرزمینهای زیر سلطه این قدرت جهانی عصر خود، بمراتب قوی تر از ایالات متحده امریکای امروز بود. اما آنچه که از این امپراطوری بزرگ در تاریخ باقی مانده است ، هنر، فلسفه ،ادبیات، قوانین کشور داری، راهها، پلها ی عظیمی است، که انسانها، تمدنها ، و ملتها را بهم پیوند میدهند. غرورهای بیجای قدرت طلبی های امپراطوران روم و سیاست سلطه گری آنها را ، امروز فقط در صفحات تاریخ باید جستجو کرد.

آقای جورج دبلیو بوش، رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا، نمایندگان مجلسین، کنگره، و سنا ، و ملت بزرگ آمریکا،

شما متعلق به قشر سیاسی و نخبگان ملت بزرگ آمریکا هستید، و بهتر میدانید، که تا کنون، در هیچ کشور دنیا دموکراسی ، احترام به حقوق انسانها ، از طریق نیروهای اشغالگر خارجی ، ارمغان برده نشده است، پدر بزرگان شما، بعد از بیرون راندن قدرت استعماری امپراطوری انگلستان، دموکراسی را در کشور بزرگ آمریکا مستقر کردند . استقرار دموکراسی در یک جامعه روند طولانی از رشد و آگاهی، توده مردم را لازم دارد ، لازمه آن رشد و آگاهی استقرار صلح و عدالت در جامعه، خصوصاً رابطه عادلانه قدرتهای بزرگ، با کشور های ضعیف و فقیر اسیت. از روند یک رابطه عادلانه بین ملتها است ، که این رشد و آگاهی جامعه در نهایت، احترام به حقوق شهروندی، و حقوق ملتها نهادینه میشوند. این رابطه عادلانه است که در نهایت صلح جهانی را تامین و تضمین میکند. در باروری این اندیشه و ایده آل فراملی، آزادیخواهان، روشنفکران ، دانشگاهیان، هنرمندان، روزنامه نگاران ، ایالات متحده آمریکا، مسئولیت خطیری را بعهده دارند .

بیش از یک قرن است، که ملت ایران، برای استقرار آزادی و دموکراسی ، احترام به حقوق شهروندی، با حاکمان خود کامه، و متحدان و پشتیبانان بیگانه آنان مبارزه کردند. ملت حقشناس ایران، هرگز فداکاری و از جانگذشتگی شهروند امریکایی باسکرویل که در سال ۱۹۱۱، این معلم جوان، مسلحانه در شهر تبریز در کنار مجاهدین علیه استبداد محمد علی شاه قاجار می جنگید، و در نهایت نیز جان باخت، فراموش نمیکنند در طول یک قرن، چه در نظام استبداد پادشاهی، و چه در نظام استبداد مذهبی ، بخش مهمی از آزادیخواهان، روشنفکران ، استادان دانشگاه ها، روزنامه نگاران، جان خود را فدا کردند. ایران امروز، بزرگترین زندان روزنامه نگاران در جهان است.

نظام حاکم در ایران امروز، که دین را آلت دست، و وسیله سرکوب قرار داده است، بخش مهم دانشگاهیان ، روشنفکران ، و هنرمندان مجبور شده اند در سنین بالا، خانه و کاشانه خود را ترک بکنند. و امروز در سنین پیری، با مشکلات زندگی در خارج دست به گریبان هستند.

آقای رئیس جمهور، خانمهاو آقایان سنا تور، نمایندگان کنگره، و ملت آمریکا، هنوز زخمهای اجتماعی، ویرانگری ها، آورده گی های ناشی از ۸ سال جنگ صدام حسین، علیه ایران التیام نیافته اند. این جنگ که بهمراه خود یک میلیون کشته ، و سه میلیون آواره بجای گذاشت به همراه خود فقر ، بدبختی ،بیکاری ، و زخمهای چرکین اجتماعی را بر ملت ایران بجای گذاشت. شما مسئولین سیاسی و اداری، کشور بزرگ آمریکا ، در مقابل جامعه جهانی و افکار مردم دنیا ، مسئولیت خطیری را بعهده دارید. این شما هستید که همراه ، با رهبران سایر کشورهای مهم جهان ، میتوانستید، و میتوانید ، بشریت را از خطر جنگهای ویرانگر نجات بدهید. تا روزیکه این نابرابری ها ، بیعدالتی ها بین کشور های ثروتمند ، با ملتهای فقیر وجود دارد ، دیوار اعتماد و حتی

در اغلب مواقع ، آتش کینه و نفرت خاموش نخواهد شد . و همین بیعدالتی ها هستند ، که زمینه رشد تروریسم ، تعصب کورکورانه ، و رشد ایده اولوژي هاي شیطاني را در جبهه هاي متخاصم فراهم میسازند .

آقای رئیس جمهور ، خانمها و آقایان سناتور و نمایندگان کنگره ، و ملت امریکا ، بیش از ۵۰ سال است ، که خاورمیانه در شعله های آتش جنگهای متناوب و متعدد میسوزد. آیا ما ساکنان ، و قربانیان این جنگها حق نداریم از خود بیرسیم ، که چرا اغلب کانونهای جنگ ها در سایر نقاط دنیا خاموش شده اند، اما در ست بر عکس جنگهای خاورمیانه هر از چند گاهی شعله ور میشوند؟ چه دستهایی ، چه سیاستهایی ، مانع از استقرار صلح عادلانه در این منطقه حساس جهانی میشوند؟ تارویکه ، ریشه بیعدالتی ها، با زمانده از دوران استعمار در قرون گذشته ، بصورت عادلانه در این منطقه حل نشود ، استقرار دموکراسی و نظام مردم سالاری ، یک آرزوی بی پایه است. آقایان و خانمها ، تا روزیکه بیش از دو میلیارد انسان ، یعنی یک سوم بشریت با در آمد کمتر از \$ ۱- در روز زندگی میکنند ، چگونه میتوانیم ، از صلح و آرامش ، دوستی و مودت بین ملتها صحبت بکنیم؟

-آقای رئیس جمهور، خانمها و آقایان سناتور ، نمایندگان کنگره و ملت بزرگ امریکا،

۱ - ما آزادیخواهان ، روشنفکران ، دانشگاهیان، روزنامه نگاران ایرانی چه در داخل ، و چه در خارج از ایران، هر نوع دخالت نظامی ، علیه ملت ومیهن خود را از جانب هر کشور بیگانه، و مزدوران شبه نظامی آنان را به هر اسم به هر عنوان و هر هدف سیاسی را، قویاً محکوم میکنیم. ملت ایران بعد از گذشت ۵۳ سال از کودتای نظامی علیه دولت ملی و دموکراتیک دکتر محمد مصدق را، که توسط طراحان خارجی به اجرا گذشته شد، هرگز فراموش نکرده اند.

۲ - ما آزادیخواهان ، روشنفکران ، دانشگاهیان ، روزنامه نگاران ایرانی ، حل مسأله ملت فلسطین با اسرائیل را خواستاریم. و تأکید میکنیم و برآن باور داریم تا روزی که این مسئله مهم منطقه ای و بین المللی، بطور عادلانه و مسالمت آمیز حل نشود، خاورمیانه ، هرگز روی آرامش و ثبات سیاسی، و استقرار دموکراسی در منطقه را نخواهد دید.

۳ - ما آزادیخواهان، روشنفکران، دانشگاهیان، روزنامه نگاران ایرانی، خواهان تضمین و تأمین تمامیت ارضی، استقلال تمام کشور های خاورمیانه ، در مرزهای شناخته شده، بین المللی هستیم.

۴ - ما آزادیخواهان، روشنفکران، دانشگاهیان، روزنامه نگاران ایرانی، خواهان خلع سلاح های کشتار همگانی، در سطح جهان، خصوصاً در درجه اول در منطقه حساس و خطرناک خاورمیانه هستیم، این خلع سلاح باید تمام کشورهای خاورمیانه منجمله اسرائیل را نیز شامل باید شود. و سازمانهای بین المللی دقیقاً، و با قدرت اجرایی آنها کنترل بکنند.

۵ - ما آزادیخواهان، روشنفکران ، دانشگاهیان، روزنامه نگاران ایرانی، به مسئولین در جه اول ملت امریکا، یاد آور میشویم، که ملت ایران، در طول دو قرن گذشته، (آخرین حمله نظامی ایرانیان به یک کشور خارجی، حمله نادرشاه به هندوستان در سال ۱۷۳۹) به هیچ کشوری، در هیچ کجای دنیا، تجاوز نکرده، و سرزمین هیچ ملتی را اشغال نکرده است. اما در ست بر عکس در طول دو قرن گذشته بکرات وطن ما مورد تجاوز دولتهای روسیه، انگلستان، امریکا، امپراطوری عثمانی، عراق، قرار گرفته، و بخشهایی بسیار مهم از این کشور از مام و وطن ما توسط اشغالگران، بزو جدا شده اند. و در دو جنگ جهانی ، دولتهای متخاصم، هر گز اعلام بیطرفی ایران را رعایت نکردند ، و با اشغال نظامی این کشور، ایران را میدان عملیات نظامی خود قرار دادند. لذا با این گذشته تلخ و تجربیات تاسف انگیز، به تمام جهانیان اعلام میکنیم، که ملت ایران ، حق مسلم خود میدانند، که برای دفاع از وطن خود ، تا روزیکه خلع سلاح همگانی زیر نظر سازمانهای بین المللی ، دارای قدرت اجرایی و نظارت نداشته باشد، هر نوع تکنولوژی ، و فن آوری ، بر ای باز داشتن حملات احتمالی دشمنان بر خوردار باشد. فراموش نکنید ، که منطقه خاورمیانه، بعد از پایان جنگ دوم جهانی ، شاهد بیش از ۸ جنگ خونین، و سه جنگ هندوستان و پاکستان، دو قدرت اتمی در همسایگی ایران ر بوده است. تا کنون ، کانون این جنگها خاموش نشده اند .

۶ - ما آزادیخواهان روشنفکران ، دانشگاهیان، روزنامه نگاران ایرانی، خواهان روابط فرهنگی ، دانشگاهی تبادل استاد ، دانشجو ، روابط تجاری ، ورزشی بین ملتها ، و همسایگان خود هستیم، این روابط دوستانه و همکاری منطقه ای ، باعث ایجاد اعتماد ، احترام متقابل ، و شکوفایی اقتصادی و فرهنگی شده، ضامن صلح در منطقه خواهد بود.

۷- ما آزادیخواهان ، روشنفکران ، دانشگاهیان، روزنامه نگاران ایرانی ، خواستار استقرار یک نظام دموکراتیک ، لائیک، همراه با اجرای عدالت اجتماعی، در چهار رچوب اعلامیه جهانی حقوق بشر هستیم، و این وظیفه و حق مسلم خود ملت ایران است ، که چنین نظامی را در وطن خود مستقر بکنند. هر نع دخالت بیگانگان را به هر شکل ، به هر اسم را از جانب هر کشور ثالث را دخالت در امور داخلی ملت و مملکت خود میدانیم و آنها قویاً محکوم میکنیم. سرنوشت و آینده، سیاسی ملت ایران را باید خود ملت ایران تصمیم بگیرند، و ما هر گونه رهبر سازی، «شاه»! سازی ساخت لا براتورهای بیگانگان را محکوم میکنیم، و یقین بدانید، که ملت ایران این شخصیتها را از اولین روز معرفی شان از جانب بیگانگان طرد خواهد کرد .

۸ - ما آزادیخواهان ، روشنفکران دانشگاهیان، روزنامه نگاران ایرانی ، به ملت بزرگ امریکا این پیام را میفرستیم ، و یاد آور میشویم ، که در بین عاملان فاجعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۲، هیچ فرد ایرانی ، وجود نداشته، و با وجود اینکه بیش از یک و نیم ملیون ایرانی از طبقات مختلف، روشنفکران، دانشگاهی، دکتر، روزنامه نگار، مهندس، اقتصاد دان، محقق، هنرمند بازرگانان، کسبه و اصناف، در کشور بزرگ شما ، از سالهای مدید زندگی میکنند، و در شکوفایی علمی و اقتصادی کشور شما، صادقانه، چون وطن دوم شان تلاش میکنند، این اقلیت فعال، که مایه، افتخار همه ایرانیان در سطح جهان هستند، در ضمن علاقه مفراط و صادقانه شان ، به وطن خود ایران، هرگز عملی خلاف امنیت ملی امریکا، و آرامش جامعه شهروندان امریکا انجام ندهند و نخواهند داد. ما ایرانیان وارث یکی از درخشان ترین تمدنهای بشری، به شما ملت امریکا یاد آور میشویم ، که امروز شما شهروند یک کشور بزرگ ، و قویترین دولت ، در جهان هستید. لذا متناسب این قدرت کشورتان ، در ایجاد مودت و دوستی بین ملتهای جهان ، بدون تبیض نژادی، قومی ، مذهبی، و بعد جغرافیایی، مسئولیت بزرگ، دارید. فراموش نکنید، که هر اعمال ، و رفتار دولت امریکا در سطح جهان ، به اسم ملت امریکا قلمداد میشود. شما در مقابل افکار بین المللی ، و جدان بشریت مسئولیت بزرگ دارید. در ضمن این نکته را نیز بخاطر داشته باشید، وطن دوستی، دفاع از شرافت، کرامت انسانی، و غرور ملی و میهنی، در انحصار هیچ ملتی نیست. همانطوریکه شما امریکائیان ، وطن و ملت خود را دوست دارید، ما ایرانیان نیز ، وطن و ملت خود را دوست داریم، و برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی آن از هیچ فداکاری دریغ نخواهید کرد.

کمیته همبستگی ملی آزادیخواهان ، روشنفکران، دانشگاهیان ، روزنامه نگاران ایرانی ضد جنگ.

-* لازم به یاد آوری است ، که این مقاله در مجموع یک پیش طرح است، لذا این طرح ، همراه با سایر طرحها و پیشنهادها ، باید مورد مطالعه قرار بگیرند، و در یک تحلیل، تفسیر نهایی، انتخاب روش، و امکانات فنی، سازماندهی شده، شخصیتها، سازمانها، احزاب، و انجمنهای ایرانی، و غیر ایرانی بشردوستانه در رابطه با آن به همکاری دعوت شوند. و در شهرهای بزرگ دانشگاهی کنفرانسها ی در این رابطه برگزار شود. مسلماً این تبلیغات سخنان آنها، و کنفرانسها احتیاج به هزینه های نسبتاً مهم لازم دارند، که هموطنان باید ، صمیمانه، به تناسب قدرت مالی شان برای تشکیل صندوق کمیته مبارزه علیه ، جنگ ، و دخالت نظامی بیگانگان، باید صادقانه در این تلاش ملی و میهنی شرکت فعال داشته باشند. هر روز که میگذرد، محافل جنگ افروز تبلیغات بسی گسترده ای را برای فراهم آوردن افکار عمومی ملت امریکا برای حمله نظامی به ایران را فراهم میسازند. این بیانیته بعد از تصمیم و تصویب نهایی، باید به زبانهای انگلیسی، فرانسه ، آلمانی، ترجمه شده، و از طریق، وزارت خارجه کشور های چین ، روسیه، آلمان ، فرانسه، انگلستان، و ایتالیا باید فرستاده شود. ضمن ارسال به پارلمان اروپا ، به وزارتخانه های کشور های همجوار ایران ، و سازمان کشور های اسلامی نیز باید فرستاده شود. وظیفه ملی و میهنی هر فرد ایرانی است که با امضای فراخون مصوبه نهایی، نه تنها همبستگی ملی و میهنی خود را بگوش جهانیان میرساند، در ضمن نفرت خود را نسبت به جنگ افروزان را اعلام میدارد

پیش طرح کمیته همبستگی ملی آزادیخواهان، روشنفکران، دانشگاهیان، روزنامه نگاران، هنرمندان ایرانی،

به قلم : کاظم- رنجبر. دکتر در جامعه شناسی سیاسی . پاریس ۹- فوریه ۲۰۰۵

<http://asre-nou.net/1383/bahman/21/kazem.randjbar@wanadoo>.